

فصلنامه	Journal of Islamic Studies
پایه دوم و نهم	Volume 10, Number 1, 2017
مکان نشر	Iran
تاریخ نشر	1396
نوع نشر	Quarterly
موضوع نشر	Islamic Studies
سازمان نشر	Islamic Consultative Assembly
آدرس نشر	Tehran, Iran
تلفن نشر	021-88888888
پست الکترونیک نشر	info@journals.ica.ir
سایت نشر	www.journals.ica.ir

## ایران

### بین ناسیونالیسم اسلامی و سکولاریسم

#### انقلاب مشروطیت ایران

(۱۲۸۵)

#### ونسا مارتین

#### ترجمه‌ی غلامرضا علی بابایی



نشر اختران

## توضیح ناشر

به خواننده باید توجه داده شود که مؤلف روایت خاص خود از جریان‌ها و افراد مؤثر در دوره‌ی مشروطه و داوری خاص خود درباره‌ی آنها را دارد. در واقع در تبریز نفوذ افکار چپ پررنگ است و انجمن‌ها تا حدی نزاع با آرای دینی و علما دارند. در اصفهان نفوذ علما پررنگ است و نویسنده از آرا و سیره‌ی امثال حاج آقا نورالله زیاد صحبت می‌کند که هم دارای عناصر حکومت اسلامی و هم مدرن است. بوشهر از کلیت ایران تا حد زیادی جداست و به واسطه‌ی ساختار محلی و اقتصادی‌اش جور دیگری با مشروطه برخورد می‌کند. نویسنده خود تجددگراست و بسیاری از شاخصه‌های مشروطیت و مدرن شدن سیاسی را با آرای اسلامی و فقهی ناسازگار می‌بیند. یک بحث او این است که علمای حامی مشروطه که جمعیتشان هم زیاد بود، این وجوه را چندان درک نکردند و به تناقضات می‌افتند. مؤلف از آرای اسلامی و فقها برداشت‌های غلط و ناقصی دارد. گرچه خیلی جاها عملکرد علما را بیطرفانه و پخته و در جهت همراهی با مردم و آرمان‌های مشروطه نشان می‌دهد، اما جاهایی هم، بعضی از آنها را وابسته به منافع اقتصادی در مخالفت با مطالبات جدید، رودرروی مردم (به‌خصوص در تبریز)، و اهل تجاوز و کارهای بد اقتصادی جلوه می‌دهد. مشخصاً از آقا نجفی اصفهانی، مجتهد بزرگ اصفهان در صفحه‌ی ۱۴۷ یا بند آخر صفحه‌ی ۱۶۰، و میرزا حسن مجتهد تبریزی در فصل ۸ که او را مخالف مشروطه و طبقات فقیر و به صورت منفی نشان می‌دهد. در حالی که مثلاً در اواسط بند آخر صفحه‌ی ۲۳۱ بر آرای اسلامی آقا نورالله بسیار بهتر و معقولانه‌تر تأکید می‌کند. مؤلف شیخ فضل‌الله نوری را از لحاظ فکری و سیاسی همدست استبداد محمدعلی شاه و کودتای او می‌داند و لحنی علیه او دارد به طوری که در صفحه‌ی ۲۵۳ از عدم همراهی مردم با روش‌های او سخن می‌گوید، در حالی که اشاره می‌کند که شیخ چشم‌اندازهای سکولار مشروطه را خوب درک کرده بود. در مجموع به خواننده‌ی محترم توصیه می‌شود مطالب و داوری‌های کتاب را با دیدی انتقادی مطالعه کند.

## فهرست مطالب

۷	مقدمه
۲۵	پاره‌ی نخست: فرارسیدن انقلاب (۱۸۹۶-۱۹۰۶)
۲۷	فصل یکم: زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی
۵۵	فصل دوم: اسلام، سکولاریسم و مدرن‌سازی
۷۵	فصل سوم: تبریز - سیاست و اقتصاد شهری در شمال غرب ایران
۱۰۵	فصل چهارم: اصلاحات در شیراز - مردم، قوام‌الملک، دولت و ایلات
۱۳۱	فصل پنجم: اصفهان - نخبگان مذهبی و ظل‌السلطان
۱۵۵	فصل ششم: آبادانی و اصلاحات در جنوب - بوشهر و برآمدن معین‌التجار
۱۷۵	پاره‌ی دوم: دوره‌ی مجلس اول (۱۹۰۶-۱۹۰۸)
۱۷۷	فصل هفتم: تکوین مشروطیت، حکومت محلی و نقش اسلام
۱۹۹	فصل هشتم: تبریز - اسلام، رادیکالیسم و مبارزه‌ی طبقاتی
۲۳۹	فصل نهم: شیراز - کشمکش نخبگان، اسلام و سیاست مردمی
۲۷۵	فصل دهم: اصفهان - حاج آقا نورالله و ظهور اسلام‌گرایی در اصفهان
۲۹۵	فصل یازدهم: بوشهر - مصلحت‌اندیشی تجاری و رشد فعالیت اسلامی
۳۲۹	نتیجه‌گیری
۳۴۵	یادداشت‌ها
۴۰۱	منابع
۴۱۵	نمایه

فصل یکم: نظام جدید حکومتی است که با همکاری بیشتر، انضباط و عدالت را جایگزین حکومت خودکامی استبدادی می‌کند. مرزبان گفت که

## مقدمه

### ایران بین ناسیونالیسم اسلامی و سکولاریسم

#### انقلاب مشروطیت ۱۲۸۵ خورشیدی

کتاب حاضر دارای دو درون‌مایه‌ی اصلی است: نخست، نقش اسلام و سکولاریسم در انقلاب ۱۲۸۵ (۱۹۰۶) و دوم، راهی‌ست که سیاست‌های انقلاب در جامعه‌ی ایالات پیمود و بحث بر سر اسلام و سکولاریسم نیز در آنجا بسط یافت. در خصوص بحث نخست، نوشته‌های موجود به زبان انگلیسی تا اینجای کار بر وجه سکولار انقلاب مذکور متمرکز بوده است. این شیوه تا حدودی از کتاب اثرگذار *انقلاب ایران ۱۹۰۵-۱۹۰۹* نوشته‌ی ادوارد گرانویل براون الگو گرفته است.<sup>۱</sup> پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ی دیگر از آن زمان تاکنون مشتمل است بر *تاریخ مشروطه ایران* اثر احمد کسروی<sup>۲</sup>، *انقلاب مشروطه ایران* تألیف ژانت آفاری<sup>۳</sup>، و *نخستین انقلاب ایران* اثر مَنگُل بیات.<sup>۴</sup> تازه‌ترین کتاب در این زمینه با عنوان *انقلاب مشروطه‌ی ایران* ویراسته‌ی هوشنگ اسفندیار شهابی و ونسا مارتین است شامل سلسله مقالاتی در خصوص افکار و عقاید، خلاقیت‌های هنری و فراملی‌گرایی، و اشاراتی به اسلام است اما در اصل به آن نمی‌پردازد.<sup>۵</sup> بنابراین من پژوهشی را مورد توجه قرار داده‌ام که در آن اساساً بر نقش اسلام در انقلاب مشروطه تأکید شده است، زیرا طیف وسیعی از منابع آن زمان بیش از پیش نشان می‌دهد که مردم در کل آن حرکت را تلویحاً انقلابی شیعی می‌دانستند و در عین حال آگاه بودند که این انقلاب متضمن یک نظام جدید حکومتی‌ست که پاسخگویی بیشتر، انضباط و عدالت را جایگزین حکومت خودکامه‌ی استبدادی می‌کند. می‌توان گفت که

با توجه به این که ایران کشوری به تمام معنا شیعه بود، طبیعی است که انقلاب آن به زبان مذهب باشد. در واقع، طیف وسیعی از مردم از سکولاریسم چیزی نمی دانستند و طرفداران سکولاریسم تعدادی محدود بودند که اغلب آنها را روشنفکران و نخبگان تجاری جهان دیده تشکیل می دادند. علما بسیار پرنفوذ بودند، نه فقط به خاطر نقشی که در اسلام داشتند، بلکه به این دلیل که مردم از وجود آنها استفاده می کردند تا با دولت به چانه زنی نشستند و بر ضد آن به اعتراض برخیزند.<sup>۶</sup> همچنان که در قرن بیستم مشاهده شد، بسیاری از کسانی که مسائل زمانه را با زبان اسلام بیان می کردند، در دوران رژیم بعدی یعنی پهلوی ناگزیر به سکولاریسم روی آوردند. سایرین که در دوران پهلوی رشد و زندگی کردند، سکولاریسم را تنها راه طبیعی مواجهه با سیاست و نقش دین یافتند. با این وصف، بخش مهمی از جمعیت حتی با مدرن شدن کشور بر اثر نفوذ نهادهای سیاسی، افکار و آموزش (به ویژه آموزش علمی و فنی) جدید، که سرچشمه شان غرب بود، و به راحتی از آنها یاد گرفته شد، بر هویت ملی شیعی باقی ماند. جنبه هایی از این حضور شیعه ای مدرن شده در دوران انقلاب را می توان در آثار پژوهشی ونسا مارتین<sup>۷</sup> و علی قیصری با عنوان: *حقوق اساسی و تکوین قانون مدنی در ایران، ۱۲۸۶-۱۳۲۰؛ نظام پارلمانی و مشورتی بر اساس نظریه ی ثقة الاسلام تبریزی: مشروعیت دینی و حقانیت تاریخی*<sup>۸</sup> از دنی هرمان؛ و *فقه شیعه و قانون اساسی*<sup>۹</sup>، اثر امیر حسن بوذری مشاهده کرد.

پژوهش های ذکر شده در زمینه ی انقلاب بیشتر بر تهران متمرکز شده و مطالب کمی درباره ی ایالات در آنها به رشته ی تحریر درآمده است. همان طور که مرتضی نورایی در پژوهش خود در خصوص مشهد آن زمان نوشته است، جهت عمده در تحقیقات چنین بوده که نظرات کلی درباره ی کل کشور بیان شود بدون توجه به این که آیا می شد این نظرات را در مورد منطقه ی خاصی به کار بست یا نه.<sup>۱۱</sup> البته براون، و به ویژه کسروی، و آفاری توجه خاصی به تبریز مبذول داشته اند که از بسیاری جهات کانون عقیدتی و سیاسی انقلاب بود. به همین دلیل، شهر مذکور در این پژوهش گنجانده شده است. سایر ایالات را

نیز پژوهشگران دیگری بررسی کرده اند، از جمله اصفهان را هایدی والچر با اشاره به ظل السلطان<sup>۱۲</sup> و مازندران را محمدعلی کاظم بیگی.<sup>۱۳</sup> این کتاب افزون بر تبریز، شیراز و اصفهان را از جنبه ی اسلامی بررسی می کند، و نیز بوشهر را که از مراکز مهم ایالتی بود و به زبان انگلیسی به تفصیل مورد مطالعه قرار نگرفته است. شیراز از آن جهت حائز اهمیت است که فهم و درکی از نقش ایلات به ویژه قشقایی ها به دست می دهد که در دوران انقلاب یک قدرت مهم محلی در یک مرکز شهری بودند. شیراز همچنین مرکز ایالت بزرگ، پر مسئله و از لحاظ راهبردی مهم فارس بود. با توجه به این که پژوهش جاری بر اسلام متمرکز است، دلیل اصلی انتخاب اصفهان، مطالعه ی نقش علمای خاندان مسجدشاهی و از همه مهم تر آقا نورالله یکی از حائز اهمیت ترین مجتهدان انقلاب است. او کسی است که عقایدش بر [آیت الله] خمینی اثر گذاشته است. هنگام پرداختن به بوشهر نیز نشانه ای از سیاست در سواحل خلیج فارس به دست می آید که به کلی با فلات مرکزی ایران متفاوت است. همچنین با جزئیات بیشتری در خصوص سیاست های دست کم یکی از "قدرت های بزرگ" یعنی بریتانیا آشنا می شویم. متأسفانه امکان بررسی مفصل سایر شهرها در یک کتاب وجود ندارد. مثلاً درباره ی کرمانشاه با توجه به ابعاد پیچیده ی سیاسی و قومی اش، به لحاظ واقع شدنش در مرز عثمانی و همسایگی اش با منطقه ی گردنشین، پژوهش سودمندی می تواند صورت پذیرد.

فصل های مرتبط با شهرهای برگزیده در صدد برجسته کردن چگونگی تحول آنها در دوره ی مذکور از منظر ویژگی های محلی و ایالتی هریک و نیز چشم انداز مقایسه ای است. ارتباطاتی نیز بین تلاش های به عمل آمده در ایالات و نیز حوادث روشنگر در خود تهران می یابیم. بنابراین کتاب با فصلی آغاز می شود که در آن توسعه و تحول سیاسی، عقیدتی و اجتماعی کشور به طور کل مورد بحث قرار می گیرد که زمینه ی کلی حوادثی را که در تک تک ایالات به وقوع پیوسته تشکیل می دهد. فصل بعدی به کاوش در موضوع